



«رجب طیب اردوغان» نخست‌وزیر ترکیه، در دوازدهمین سال حکومت خود، یکی از سخت‌ترین سال‌ها را تجربه کرده است. اگر سیاست خارجی (و حتی داخلی) اردوغان و حزب وی (عدالت و توسعه) را روی نموداری ترسیم کنیم، متوجه می‌شویم که وی در هشت ماه نخست کماتان سیاست‌های قبلی خودش را در قبال سوریه، موشک‌های پارتوت و سپر موشکی و در کل همسویی همه‌جانبه با آمریکا و ناتو ادامه می‌داده است. اما پس از آن یعنی اواخر تابستان گذشته، سیاست‌های اردوغان به تدریج عوض شد و علت این تغییرت رویکرد، رویدادهایی بود که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. موفله‌های رویکرد جدید آنکارا را می‌توان در قطع حمایت از عناصر القاعده و تکفیری‌های فعال در سوریه، اتخاذ روابط دوستانه با دولت بغداد، نزدیکی با ایران و انتقادهای بی‌سابقه نسبت به سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا و ناتو مشاهده کرد. به نظر می‌رسد مهمترین علتی که باعث چرخش در سیاست‌های حزب حاکم و عدالت و توسعه ترکیه شده است، اعتراضات و تظاهرات خیابانی بود که ابتدا به پهنه‌های غیر سیاسی در اسلامبول آغاز و به تدریج به ۹۰ شهر کشیده شد و رنگ و بویی سیاسی به خود گرفت. این اعتراضات که اکنون نیز به صورت کمرنگ‌تر ادامه دارد پنج کشته و هزاران زخمی بر جای گذاشت.

اردوغان که ابتدا علت اعتراضات را درک نمی‌کرد، بعدا متوجه شد که مردم نسبت به همسویی‌اش با ناتو و آمریکا و همچنین مداخلات آنکارا در سوریه فاراضی هستند. این تحولات را می‌توان مهمترین عامل در چرخش سیاسی حزب عدالت و توسعه دانست. اما، مورد دیگری که اردوغان را از خواب بیدار کرد و او را به سر عقل آورد، تهدیدات تروریستی عناصر القاعده در داخل ترکیه بود؛ این کشور که سال‌ها آرامی را پشت سر گذاشته و فقط در جنوب شرق با عناصر حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک) در ستیز بود، کم‌کم انفجارهای تروریستی را در مناطق مرزی ترکیه و حتی آنکارا تجربه می‌کرد. علاوه بر آن، شبکه القاعده آشکارا دولت اردوغان را به حملات تروریستی تازه‌تر و خونین‌تر تهدید می‌کرد.

این تحولات باعث شد که مقامات آنکارا به فراسط دریابند که خطرات بزرگی در راه است. لذا، دولت مبارزه با عناصر القاعده را آغاز کرد و کار به جایی کشید که اردوغان اواخر آذر به همه نیروهای اطلاعاتی، نظامی و انتظامی ترکیه دستور داد که همه زردگانه‌های القاعده را برچینند و شبه‌نظامیان وابسته به این گروه را دستگیر کنند. در پی این چرخش سیاسی، مذاکرات اقتصادی با ایران گرم شد و مقامات آنکارا رفت و آمدهای خود را با پایتخت عراق آغاز کردند. دیدار و مذاکره با «عبدالله اوجلان» رهبر زندانی پ.ک.ک در جریان اردوان با اسلامبول توسط مقامات آنکارا که اسفند گذشته انجام شد، به مذاکرات بعدی و تصمیم عناصر نظامی پ.ک.ک به خروج از ترکیه انجامید.

ایران آرماد، آرامش شش ماهه‌ای را در مناطق جنوب شرقی ترکیه به ارمان آورد، ولی به نظر می‌رسد که شرایط دارد به سمت عقب برمی‌گردد. هر یک از طرفین دیگری را به نقض توافقات قبلی مابین منتهم می‌کنند. آیا در سال جدید آرامش در ترکیه حکمفرما خواهد شد؟

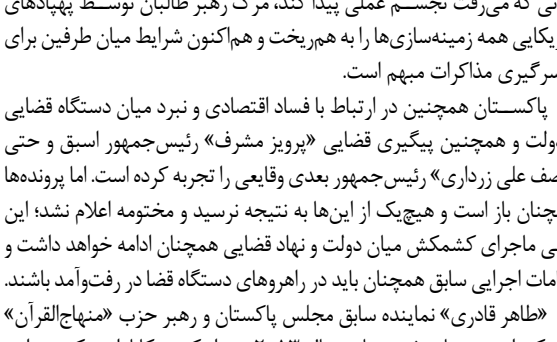
## پاکستان، حاکمیت نیم‌بند

جامعه پاکستان به ویژه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و لشکرکشی آمریکا به خاورمیانه با پدیده نقض حاکمیت ملی مواجه است و به نظر می‌رسد هرچه زمان می‌گذرد، مسئله ابعاد تازه‌ای به خود می‌گیرد. هر ملتی باید چهار عنصر سرزمین، حکومت، جمعیت و حاکمیت را داشته باشد تا بتوانت گفت که این ملت دارای یک واحد سیاسی مستقل است. جامعه پاکستان قبل از لشکرکشی آمریکا مشکلاتی را از قبل داشته است؛ مثل چالش مرزی با هند، مشاجره میان نهادها و قوای حاکم، فساد سیاسی و اقتصادی و فعالیت گروه‌های تروریستی جهنگوی و سپاه صحابه اما همانطور که می‌بینیم، این مسائل حاکمیت ملی پاکستان را دچار خدشه نمی‌کند. اما، پس از ۱۱ سپتامبر این بحران‌های حل نشده با بحران‌هایی همراه شده که آمریکا برای پاکستان به ارمان آورد، که حملات مکرر با پهپادها به نوار قبایلی شمال غرب مهمترین آنهاست.

پاکستان با این پیشینه وارد سال ۲۰۱۳ شده و اوضاع سیاسی آن مثل سال‌های قبل شدیدی بی‌ثبات بوده است. در مورد پهپادها، تظاهرات مردمی علیه آمریکا کماتان ادامه داشت و حتی انتخابات مهم پارلمانی این کشور تحت‌الشعاع آن قرار گرفت؛ ماجرا از این قرار بود که حزب «مسلم لیگ شایخه نواز» تحت رهبری «نوازشریف» سوار بر این احساسات ضدآمریکایی شد و با وعده دادن در مورد متوقف کردن این حملات، ۱۵ خرداد گذشته رسماً به قدرت رسید. اما، تاکنون تلاش‌های شریف نتیجه‌ای نداده و قضیه پهپادها اکنون مسئله نخست‌دولت نیست، هرچند اعتراضات ادامه دارد و مردم مسیرهای اجسیتک ناتو را مسدود می‌کنند.

در روز علنوشوای ژنرال تروزیست‌های شیعیان عزادار را در شهر راولپندی هدف قرار دادند که شهادت ۱۰ سوارگار حسینی(ع) را در پی داشت. علامه «ضمیر عباس» رئیس قفه جعفری نیز در شهر لاهور به دست افراد ناشناس شهید شد.

کلان شهر کراچی همچنان نارام و پرتلافت باقی ماند و پیشاور هم مثل سال‌های قبل جولانگاه شبه‌نظامیان طالبان بود. البته عملیات تروریستی مقابل کلسای این شهر که ۷۸ کشته و ۱۲۱ مجروح داشت، اقدامی متفاوت و تازه بود.



تبادل آتش میان نیروهای پاکستانی و هندی در منطقه کشمیر دست‌کم پنج بار اتفاق افتاد و تلفات و مجروحان اندکی نیز به دنبال داشت. اما این مسئله به یک بحران میان دو کشور بدل نشد و حتی شریف و «منموهان سینگ» نخست‌وزیر هند با هم در سازمان ملل دیدار داشته و برای انجام مذاکرات ابراز تمایل کرده‌اند.

مذاکرات با طالبان از جمله شعارهای انتخاباتی نوازشریف بود؛ اما این مذاکرات زمانی که می‌رفت تجسم عملی پیدا کند، مرگ رهبر طالبان توسط پهپادهای آمریکایی همه زمینه‌سازی‌ها را به هم ریخت و هم‌اکنون شرایط میان طرفین برای از سرگیری مذاکرات مهم است.

پاکستان همچنین در ارتباط با فساد اقتصادی و نبرد میان دستگاه قضایی و دولت و همچنین پیگیری قضایی «پرویز مشرف» رئیس‌جمهور سابق و حتی «صف علی زرداری» رئیس‌جمهور بعدی وقایعی را تجربه کرده است. اما پرونده‌های همچنان باز است و هیچ‌یک از این‌ها به نتیجه نرسید و متخومه اعلام نشد؛ این یعنی ماجرای کشمکش میان دولت و نهاد قضایی همچنان ادامه خواهد داشت و مقامات اجرایی سابق همچنان باید در راهروهای دستگاه قضا در وقت‌آدم باشند. «ظاهر قادری» نماینده سابق مجلس پاکستان و رهبر حزب «مهاج‌القرآن» نیز یکی از چهره‌های خیرساز سال ۲۰۱۳ بود، او که در کانادا سکونت دارد، در پیشت‌ماه اعلام شد که کشور برمی‌گردد تا با پدیده فساد اقتصادی مبارزه کند؛ نتیجه اینکه برگشت و تظاهرات خیابانی را انداخت.

قادری جماعت زیدی را نیز از لاهور به خیابان‌های اسلام‌آباد کشاند و دست به سخن زد. او سپس، امتیازاتی از سران دولت گرفت و به تظاهرات و اعتراضات پایان داد و به کشور قبلی خود یعنی کانادا برگشت!



# رسوایی قرن

■ جعفر بلوری



می‌شود. یکی از جنجال‌سازترین بخش‌های ایسن پرونده مربوط به شنود مکالمات تلفنی رهبران کشورهای جهان است که برای آمریکایی‌ها واقعا گران تمام شده است، چرا که در بین لیست بلند بالای اهداف جاسوسی آمریکا نام کلیدی‌ترین متحدین این کشور نیز به چشم می‌خورد. در کشورهایی مختلف جهان و... گوشه کوچکی از رسوایی بزرگ دولتمردان آمریکایی است که روز به روز با انتشار اسناد جدیدی از این پرونده، بر ابعاد آن افزوده می‌شود.

## بحران پایدار اروپا



نگاهی به آمار و ارقام رسمی مراکز علمی اروپا نشان می‌دهد، تبعات ایسن بحران اقتصادی و سیاست‌های ریاضتی، زنجیروار دامن بسیاری از مردم عادی این کشور را گرفته و فته‌رفته ثبات این مسئله «اقتصادی» به شکل برخی مشکلات و بحران‌هایی و «اجتماعی»، «فرهنگی» و حتی «سیاسی و امنیتی» نمود یافته است. به عنوان مثال، یکی از سیاست‌هایی که اروپایی‌ها برای مقابله با بحران مالی برگزیده‌اند، اخراج کارکنان یا توقف استخدام‌هاست. این مسئله طبیعتاً باعث افزایش بیکاری می‌شود. اکنون «بیکاری» یکی از جدی‌ترین تهدیداتی است که جامعه اروپا را تهدید می‌کند. در برخی کشورهای مثل اسپانیا و یونان نرخ بیکاری جوانان به رقم باور نکردنی ۶۰ درصد هم نزدیک شده است. بیکاری باعث «مهاجرت»

## راه چاوز

■ قاسم رحمانی



مادورو جانشین چاوز

درگذشت رئیس‌جمهور ونزوئلا، یکی از رویدادهای مهم در سال ۲۰۱۳ بود. «هوگو رافائل چاوز فریاس» ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۴ در منطقه روستایی سابائتا در ونزوئلا به دنیا آمد. او در ۱۶ سالگی به ارتش پیوست و تا کسب درجه سرهنگ دومی پیش رفت. چاوز در سال ۱۹۹۲ علیه «کارلوس آندرس پرز» رئیس‌جمهور وقت ونزوئلا کودتا کرد اما شکست خورد و به زندان افتاد. این مسئله موجب محبوبیت او در بین قریا شد. در سال ۱۹۹۴ از سوی «رافائل کالدر» رئیس‌جمهور وقت مورد عفو قرار گرفت و آزاد شد. او از همان وقت، کار سیاسی را آغاز و حزب چپگرای «جنبش جمهوری پنجم» را تأسیس کرد. در سال ۱۹۹۸ برای اولین بار رئیس‌جمهور ونزوئلا شد. او پنجاه و سومین رئیس‌جمهور ونزوئلا بود. از همان ابتدا با چپانی‌سازی نئولیبرال آمریکا مخالف بود و به سمت کشورهای ضد آمریکایی گرایش پیدا کرد. در طول ۱۵ سال ریاست جمهوری‌اش، روابط گرمی با کوبا، روسیه، ایران، چین و کشورهای آمریکای لاتین داشت. ونزوئلا در زمان چاوز، رشد اقتصادی بین ۱/۲ تا ۱۸ درصد را تجربه کرد. سال ۲۰۰۴ ونزوئلا با رشد اقتصادی ۱۸ درصدی در جهان رکورد زد. هوگوچاوز در پنجم مارس ۲۰۱۳ (۱۴ اسفند ۱۳۹۱) برائثر بیماری سرطان درگذشت. او دو سال با این بیماری دست و پنجه نرم می‌کرد و بیماری خود را حاصل یک تروور بیولوژیکی از سوی آمریکا می‌دانست. مسئله‌های «مادورو» رئیس‌جمهور بعدی ونزوئلا هم به آن اشاره کرد. تشیع جنازه چاوز با شکوه برگزار شد و دولت‌های آمریکای لاتین در پی مرگ او، اعلام عزای عمومی کردند. چاوز به عنوان رهبر «انقلاب بولیواری نوین» شناخته می‌شود. در پی درگذشت چاوز «نیکلاس مادورو» رئیس‌جمهور شد و در نخستین سخنرانی خود اعلام کرد که راه چاوز را ادامه خواهد داد.

## لبنان؛ وضعیت شکننده

■ فریده شریفی

مهم‌ترین تحولات سال گذشته لبنان را می‌توان درگیری‌های شدید میان ساکتان علوی‌نشین منطقه «جبل‌محسن» باهل سنت منطقه «باب‌التبانه» در شهب طرابلس در شمال لبنان به حساب آورد. در این درگیری‌ها ده‌ها تن کشته یا زخمی شدند و نیروهای ارتش لبنان با اعلام وضعیت فوق‌العاده برای ایجاد آرامش و ثبات در این شهر مستقر شدند. کار به جایی رسید که سلفی‌های این شهر از مناره‌های مساجد بالا رفتند و علیه ارتش لبنان اعلام جهاد کردند.

برخی طرف‌ها با اهداف سیاسی تلاش می‌کنند که با دامن زدن به اوضاع متشنج طرابلس، پای ارتش را وارد این بحران کنند اما ماهیت بحران



طرابلس بسیار بزرگ‌تر و عمیق‌تر از آن چیزی است که از آن سخن گفته می‌شود و بدون تردید کاخ‌سفید به بهانه آن جنایات زیادی در دنیا به ویژه خاورمیانه مرتکب شده است. واقعیت این است که «لیبرالیسم سیاسی» و «حقوق‌فردی» به عنوان ارزش‌های غربی که آمریکا سال‌هاست «پز» اشاعه آن را در دنیا می‌دهد و مخالفان و منتقدان آن را به چالش می‌کشند نیز با افشای جاسوسی از مردم به چالش کشیده شد. طبق این اسناد ان‌اس‌ای روزانه ۵ میلیارد مکالمه تلفنی را در سطح داخل و خارج آمریکا ثبت و ضبط می‌کنند؛ جاسوسی از مراکز اقتصادی دنیا نیز «لیبرالیسم اقتصادی» را زیر سؤال برد چرا جبران کنند، وقوع انفجاری انتحاری در نزدیکی مقر حزب‌الله که نزدیکی سفارت ایران در بیروت دقیقاً با هدف کنترل تحولات سوریه و حمایت از تروریست‌های موجود در این کشور صورت می‌گیرد.

تحلیلگران معتقدند «بندر بن سلطان» رئیس‌دستگاه اطلاعات عربستان و مجری سیاست‌های این کشور در منطقه در تلاش است تا جبهه‌های تازه‌ای را در بحران سوریه بگشاید. بندر بن سلطان تلاش می‌کند شیعیان مقیم طرابلس راه‌چه سریع‌تر از این شهر خارج سازد و شمال لبنان را به یک پایگاه جدید فعالیت علیه

تشکیل نشدن دولت وحدت ملی که جریان‌های سیاسی نوبد آن را می‌دانند، مداخلات آشکارا و تمسبات آل‌غزوه، و کشورهای فرامنطقه‌ای در این کشور و درگیری‌های ادامه‌دار طرابلس این فرضیه را تقویت می‌کند که لبنان در هفته‌های آینده نیز شاهد بی‌ثباتی، نبود امنیت و آرامش خواهد بود و هزینه این خون و آتش را مردم لبنان باید پرداخت کنند.

## طرح‌های ناتمام اشغالگری



از مهم‌ترین تحولات فلسطین در سال گذشته میلادی تلاش رژیم صهیونیستی برای تصویب طرح نژادپرستانه «پراور،بگین» بود که در صورت اجراء، هزاران فلسطینی ساکن صحرای نقب از سرزمین خود اخراج می‌شدند. به موجب این طرح قرار بود ۳۶ روستای این ناحیه تخریب و در حدود ۱۰۰ هزار فلسطینی از سرزمین تاریخی خود اخراج شوند تا رژیم صهیونیستی بتواند به سیاست شهرک‌سازی خود ادامه دهد. این طرح برای رژیم صهیونیستی تا بدان حد اهمیت داشت که هزینه‌های بالغ بر دومیلیارد دلار برای آن هزینه کرده بود، لیکن با تظاهرات گسترده‌ای که در غزه، کرانه باختری، سرزمین‌های اشغالی و سراسر جهان صورت گرفت و مخالفت افکار عمومی منطقه و جهان مجبور شد از اجرای این طرح صرف‌نظر کند.

مخالفان معتقدند؛ این طرح هیچ ضرورت و توجیه علمی ندارد و فقط برای مصادره زمین‌های فلسطینیان و اسکان یهودیان در این منطقه تصویب شده بود. از اشغال فلسطین تاکنون فلسطینی‌های سرزمین‌های اشغالی ۴۰ تا ۶۰ درصد زمین‌های خود را از دست داده‌اند و مطرح کردن چنین طرح‌هایی و تصویب آن در حقیقت اجرای توصیه‌های تندور، هرتزل از بنیانگذاران صهیونیسم است.

هر چند اعتراضات صورت گرفته در سرزمین‌های فلسطینی و ۲۴ کشور دنیا این طرح را با شکست مواجه ساخت اما سیاست توسعه‌طلبی، تجاوز و اشغال سرزمین‌های فلسطینیان یک رویداد و حادثه صرف نیست بلکه یک ساختار و یک روند مداوم است که اسرائیل برای رسیدن به منافع بیشتر آن را دنبال می‌کند.

تل‌آویو ممکن است امروز از طرح پراور، بگین منصرف نشود لیکن فردا با طرح جدید و بهانه‌های دیگر به سراغ سرزمین‌های فلسطینی می‌رود و تمامی تلاش خود را برای تصرف سرزمین‌های جدید و اسکان یهودیان مصروف می‌دارد. مسئله دیگر فلسطین به تعویق افتادن طرح آشتی ملی فلسطینیان است که هر چند در دستور کار قرار دارد اما اختلافات گروه‌های فلسطینی به ویژه فتح و حماس تحقق این روند را با اشکال مواجه می‌سازد. مهم‌ترین بی‌بست ایجاد شده بر سر راه تحقق آشتی ملی رابطه تشکیلات خودگردان فلسطین به رهبری محمود عباس رژیم صهیونیستی است که مورد مخالفت گروه‌های دیگر فلسطینی به ویژه حماس قرار گرفته است. گروه‌های فلسطینی معتقدند اسرائیل به هیچ وجه قابل اعتماد نیست و جز سیاست تجاوز، توسعه‌طلبی و جنایت، سیاست دیگری ندارد و با این رژیم خیانتکار نباید سازش کرد. این در حالی است که تشکیلات خودگردان با چراغ سبزی‌هایی که به رژیم تل‌آویو داده است کرانه باختری را به حیاط خلوت اسرائیل تبدیل کرده و این رژیم در این منطقه به اعمال قدرت می‌پردازد و به راحتی به مسجداً لقمی تعرض و تجاوز می‌کند به همین دلیل گروه‌های فلسطینی به نظر نمی‌رسد که در آینده نزدیک نیز به آشتی ملی دست پیدا کنند. از سوی دیگر، گروه‌های مقاومت فلسطینی تاکید دارند هدف آمریکا و اسرائیل از پی‌گیری روند سازش اشغال باقیمانده اراضی فلسطین است و آنها به فکر مردم فلسطین نیستند بلکه تمام تلاششان رسیدن به اهداف خودشان است. سفرهای مکرر مقامات آمریکایی به سرزمین‌های اشغالی دقیقاً در راستای تامین همین اهداف صورت می‌گیرد. یک سال دیگر از محاصره ظالمانه نوار غزه گذشت و مجامع حقوق بشری اقدامی برای رفع این محاصره انجام ندادند. مردم این منطقه با شروع فصل زمستان و سردی هوا در معرض یک فاجعه انسانی قرار گرفته‌اند و کمبود سوخت، مواد غذایی و دارو آنان را در یک وضعیت هشداردهنده قرار داده است. ساکتان غزه امیدوارند روزی رنج و درد آنان به پایان برسد و مدعیان حقوق بشر محاصره ظالمانه آنها را لغو کنند.